



## تشکلهای آب بران و مسایل مترتب بر آن

افراسیاب میرزائی<sup>1</sup>، امین حسنی<sup>2</sup>، محمد رضا حسینی<sup>3\*</sup>، محمد نوری<sup>4</sup>، محمدرضا یوری<sup>5</sup>

<sup>1</sup>مدیر طرح شبکه آبیاری و زهکشی گلستان، شرکت آب منطقه ای گلستان

<sup>2</sup>مدیر طرحهای آبیاری و زهکشی، شرکت آب منطقه ای گلستان

<sup>3</sup>مدیر پروژه شبکه آبیاری و زهکشی زرینگل، شرکت آب منطقه ای گلستان

<sup>4</sup>رئیس گروه فنی، شرکت آب منطقه ای گلستان

<sup>5</sup>کارشناس پروژه، شرکت آب منطقه ای گلستان

\*تلفن نویسنده اصلی: 09113700731، پست الکترونیکی: newway1386@gmail.com

### چکیده

در سنوات اخیر موضوع مشارکت بهره برداران در شبکه های آبیاری و زهکشی به طور جدی مطرح شده است. در ابتدا توجه ویژه سیاستگذاران به جنبه ها مشارکت مالی در توسعه شبکه ها بوده است که با ایجاد تبصره های قانونی در ذیل بودجه، این سیاستها اجرایی شده است. مشارکت در بهره برداری نیز مورد توجه واقع شده و الزاماتی توسط دستگاههای مسئول وضع شده است. علیرغم سیاستگذاری بعمل آمده، مشارکت عوامل بهره بردار در دو مرحله ساخت و بهره برداری به دلایل مختلف در حد مورد انتظار اتفاق نیفتاده است. در این مقاله عوامل مختلف عدم مشارکت موثر ذینفعان در مراحل ساخت و بهره برداری بررسی می شود. در نتیجه مقاله، مشارکت عوامل ذینفع از بدو پیدایش طرح از جمله در مراحل طراحی و هدف گذاری، به عنوان مهمترین عامل برای شروع همکاری و مشارکت آنها در اجرا و بهره برداری معرفی شده است و ایجاد تشکل های ذینفعان و توجه به جنبه های اجتماعی و مالی در هنگام مطالعه و طراحی توصیه گردیده است.

کلید واژه ها: مدیریت مشارکتی، شبکه های آبیاری، تشکل ها، ذینفعان.

### 1- مقدمه

در ایران به علت کمبود ریزش های جوی و شرایط خاص آب و هوایی، انجام فعالیت های کشاورزی و تأمین نیازهای آبی گیاهان بدون انجام عملیات آبیاری ناممکن و یا بسیار کم بازده است. اگر بپذیریم که هر نظام آبیاری مجبور است تا در سه بعد به مدیریت فعالیت ها بپردازد:



بعد فنی عبارت است از تنظیم فرایندها و مهیا کردن زیرساخت‌های فیزیکی برای جاری کردن، کنترل و استفاده از آب. این بعد بحث نگهداری و تعمیر زیرساخت‌ها و جذب تکنولوژی‌های جدید و نوآوری در تکنولوژی را نیز شامل می‌شود. مباحث فنی بسیار درباره رودخانه‌ها، آب‌های زیرزمینی، سدها، کانال‌های انتقال آب، دریچه‌ها و سیستم‌های کنترل آب و بقیه مقولات فنی در همین حوزه قرار می‌گیرند.

بعد سازمانی عبارت از سازمانی برای تنظیم رفتارهای روزمره انسان‌ها در قبال آب است. این رفتارها را روال‌های آبیاری می‌نامند و علاوه بر آن که بعد سخت‌افزاری دارد، مجموعه قواعد و حقوق آبیاری را نیز شامل می‌شود. سازمانی دولتی و نظامی حقوقی و اجتماعی بر بهره‌گیری از آب کشاورزی حاکم است و سازمان‌های دولتی تولید کننده آب، شرکت‌های بهره‌برداری و آب‌بران در درون نظامی حقوقی به هم مرتبط هستند. از سوی دیگر، نظام‌های سنتی بهره‌برداری وجود دارند و نظام موجود نیز بی‌تأثیر از ساختار سازمانی سنتی بهره‌برداری نیست.

بعد اجتماعی-فرهنگی مجموعه‌ای از باورها، نگرش‌ها و شیوه‌های عمل است که به صورت فرهنگ سازمانی آبیاری (سازمان به معنای اعم شامل مدیران و فراهم کنندگان آب و آب‌بران و استفاده کنندگان از آن) درآمده‌اند و بنا به نوع و ماهیت خود، اجرای شیوه‌های مختلف مدیریت آبیاری را امکان‌پذیر یا غیرقابل اجرا می‌سازند. مدیریت آبیاری شاید بیش از آن که با مباحث سخت‌افزاری شبکه‌ها مرتبط باشد و با آن‌ها مشکل داشته باشد، با بعد اجتماعی و فرهنگی سازمان آبیاری مرتبط است و مشکل دارد. کشاورزان به عنوان آخرین استفاده کنندگان از آب، عقلانیت، هنجارها و ارزش‌ها و تصوراتی درباره آب و تولید کننده آن دارند، در درون نظام اجتماعی‌ای زندگی می‌کنند که بر جریان زندگی و شیوه عمل آن‌ها مؤثر است، و به روال‌هایی عادت کرده‌اند که بر نظام آبیاری و کارآمدی آن تأثیر دارد. لذا بعد اجتماعی و فرهنگی یکی از مهم‌ترین ابعاد نظام آبیاری است.

## 2- ملاحظات اجتماعی شبکه‌های آبیاری

بحث درباره آبیاری بدون ارجاع به مبحث کشاورزی غیرممکن است. برای شروع، ذکر تعریفی از کشاورزی پایدار خالی از فایده نیست. بر اساس مجموع برداشت‌های مختلف، کشاورزی پایدار عبارت است از «مدیریت و حفاظت از منابع طبیعی پایه و هدایت دگرگونی‌های تکنولوژیک و نهادی در راستایی که متضمن ارضای مستمر نیازهای انسانی نسل‌های حاضر و آینده باشد. چنین روند توسعه‌ای که زمین، آب و منابع ژنتیکی گیاهی و جانوری را حفظ می‌کند، از حیث محیطی نامخرب، از لحاظ تکنولوژیکی مناسب، از نظر اقتصادی کارآمد و از لحاظ اجتماعی قابل پذیرش است». بر این اساس کشاورزی پایدار، کشاورزی است که [1]:

1. تأمین کننده نیازهای غذایی و مواد کشاورزی نسل حاضر و نسل‌های آتی باشد.
2. مشاغل دائمی، درآمد کافی و شرایط مناسب زندگی و کار برای کسانی که در فرایند تولیدات کشاورزی هستند، فراهم سازد.
3. ظرفیت تولیدی منابع طبیعی و به‌ویژه منابع تجدید شونده را حفظ کرده و ارتقا دهد.
4. از اختلال در کارکرد چرخه‌های اساسی بوم‌شناختی و تعادل‌های طبیعی جلوگیری کند.
5. جنبه‌های اجتماعی-فرهنگی جوامع روستایی را تخریب نکند.
6. محیط‌زیست را آلوده نسازد.



7. کاهش آسیب پذیری بخش کشاورزی در برابر عوامل طبیعی، اقتصادی و اجتماعی و دیگر تهدیدها؛ و تقویت

خوداتکایی این بخش را سبب شود.

بنابراین، نهاد کشاورزی پایدار، هم‌زمان بر رعایت اصول اکولوژیک (حفاظت از منابع پایه آب و خاک)، اصول حاکم بر فعالیت اقتصادی عقلانی (منظور نمودن درآمد، هزینه‌ها، سوددهی و البته منافع استراتژیک آبی) و رعایت اصول اجتماعی (مقبولیت پروژه‌های توسعه، مشارکت اجتماعی، مسئولیت سیاسی، و توسعه انسانی) تأکید می‌کند. به این ترتیب، باید شاخص‌های پایداری را در حیطه داوری درباره کارآیی شبکه‌های آبیاری نیز وارد کرد. بر مبنای چنین تعریفی از پایداری کشاورزی، می‌توان مجموعه عواملی را که مشکلات آبیاری در ایران به حساب می‌آیند و زمینه‌ای برای مخدوش ساختن پایداری فراهم می‌کنند، در این موارد خلاصه کرد [2]: 1- اراضی کوچک و پراکنده، 2- مسائل مربوط به قیمت آب (قیمت اندک، شیوه قیمت‌گذاری و شیوه محاسبه هزینه آب)، 3- مشکلات مالی و اعتباری، 4- نظام‌های بهره‌برداری از زمین، 5- فقدان اعتماد کشاورزان به سازمان‌های کشاورزی و آبیاری، 6- مسائل حقوقی مرتبط با مالکیت زمین و آب، 7- درگیری‌های اجتماعی، 8- دانش اندک کشاورزان درباره کشاورزی و آبیاری، 9- تخلفات کشاورزان در بهره‌برداری از آب، 10- رعایت نشدن جزئیات فنی آبیاری، 11- فقدان مشارکت آب‌بران در مدیریت شبکه‌های آبیاری، 12- فقدان یا رعایت نشدن الگوی کشت مناسب، 13- مشکلات ساختار سازمانی سازمان‌های مدیریت آبیاری، 14- نگاهی صرفاً سخت‌افزاری به مدیریت شبکه‌های آبیاری، 15- وضعیت نامناسب تأسیسات آبیاری از لحاظ فنی.

بر مبنای این علت‌شناسی، می‌توان علل بروز مشکلات در شبکه‌های آبیاری در ایران را در چهار دسته تقسیم‌بندی

کرد: 1- علل فنی و مهندسی، 2- علل مدیریتی، 3- علل اجتماعی و فرهنگی، 4- علل حقوقی و قانونی.

تجربیات داخلی و جهانی نشان می‌دهد که علل اجتماعی و فرهنگی نقش و تاثیر مهم‌تری بر کارآمدی یا ناکارآمدی طرح‌های توسعه‌ای دارند. واقعیت آن است ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی از یکسو، زمینه و بسترساز شکل‌گیری ساختارهای قانونی و حقوقی‌اند. از سوی دیگر، توانایی‌ها و نحوه تعامل افراد و بهره‌برداران از طرح که خود برخاسته از ویژگی‌ها و زمینه (Context) اجتماعی است، در آخر تعیین‌کننده موفقیت یا عدم موفقیت طرح‌های توسعه‌ای است.

تحلیل عوامل اجتماعی و فرهنگی مسائل مبتلابه طرح‌های توسعه‌ای و از جمله شبکه‌های آبیاری، صاحب‌نظران و کارگزاران توسعه را به سمت رویکرد مشارکتی سوق داده و بدین ترتیب مشارکت ذی‌نفعان در مراحل مختلف یک طرح، اهمیتی اساسی یافته است. بر همین اساس، در این نوشتار ابتدا به شرح و بسط مفهوم مشارکت پرداخته و سپس، عوامل عدم مشارکت بهره‌برداران در شبکه‌های آبیاری تشریح می‌شود.

### 3- شرح و بسط مفهوم مشارکت

بر اساس تعریفی از سوی بانک جهانی، مشارکت فرایندی است که در خلال آن، افرادی که تحت تأثیر پروژه قرار می‌گیرند، در جهت‌دهی و اجرای طرح‌های توسعه دخیل‌اند و چنان نیست که فقط سهمی از منافع طرح را دریافت کنند. به تعبیری دیگر، مشارکت فرایندی پویاست که از طریق آن بهره‌برداران علاوه بر سهم شدن در منافع طرح، بر جهت‌گیری و اجرای آن نیز تأثیر می‌گذارند. مشارکت دارای اهدافی است که بدون لحاظ کردن آن‌ها احتمال تبدیل شدن آن به مبحثی بی‌فایده بسیار زیاد است. توانمندسازی بهره‌برداران و ظرفیت‌سازی در میان آن‌ها، افزایش ثمربخشی طرح، بهبود کارآیی آن و تقسیم هزینه پروژه میان مجریان و بهره‌برداران - البته نه در پروژه‌های بسیار بزرگ و با اهداف ملی -



از جمله اهداف مشارکت است. یک طرح مشارکتی زمانی سودمند خواهد بود که با توجه به همه این اهداف اجرا شود [3].

مشارکت ویژگی‌هایی نیز دارد که در ملاحظات اجتماعی طرح‌های توسعه‌ای باید به آن‌ها توجه کرد. اجماع صاحب‌نظران در خصوص ویژگی‌های مشارکت بر آن است که مشارکت: دو سویه است نه یک‌سویه، آگاهانه است و نه غریزی، بر اساس اعتماد متقابل است، داوطلبانه است و نه اجباری، بر اساس علاقه و نیاز است، نیازمند فعالیت تمام عناصر نظام است، مبتنی بر هدف مشترک است، مشارکت کنندگان حق شرکت در تصمیم‌گیری‌ها را دارند. این در حالی است که برداشت مجریان توسعه معمولاً با این ویژگی‌ها در تعارض است. این مجریان غالباً تصور می‌کنند [4]:

1. مشارکت چیزی جدای از تصورات و باورهای فرهنگی مردم است و جدای از سایر انواع مشارکت (مشارکت سیاسی، اجتماعی و ...) می‌توان مردم را به مشارکت در طرح‌های توسعه جلب کرد.
  2. مردم یا بهره‌برداران از پروژه فاقد فرهنگ مشارکت هستند و مسائل مرتبط با آن‌را درک نمی‌کنند.
  3. مشارکت در مرحله اجراست و آن هم فقط برای تأمین اقتصادی و مالی پروژه.
  4. استفاده از توان مالی و نقدینگی مردم رکن اساسی مشارکت است.
  5. مشارکت نوعی وسیله است نه هدف؛ نوعی نهاد در کنار بقیه نهاده‌ها است.
- حال آن‌که مردم چنین تصویری ندارند. برای مردم مشارکت بخشی از زندگی ایشان است. مشارکت برای تقویت احساس امنیت و قدرت فردی است و فقط یک وسیله به شمار نمی‌رود. در پروژه‌های توسعه کاربردهای متفاوتی از مشارکت را می‌توان مشاهده کرد. صورت‌هایی از مشارکت که با آن‌چه تا به این‌جا به آن پرداخته شد متفاوت است. البته انواعی نیز هست که به‌واقع با فلسفه مشارکت در توسعه هم‌خوانی دارد [5].
1. مشارکت به‌مثابه فریبکاری. در این نوع مشارکت، با مردم به گونه‌ای عمل می‌شود که گویی در پروژه و شیوه انجام آن سهم هستند، لیکن در واقع هیچ نقشی ندارند.
  2. مشارکت انفعالی. به مردم فقط اطلاعاتی درباره تصمیمات اتخاذ شده و اتفاقاتی که افتاده یا قرار است حادث شود داده می‌شود و اشتراک اطلاعات میان مردم و کارشناسان وجود ندارد.
  3. مشاوره مشارکتی. در این شیوه، مردم فقط در مقام پاسخ‌گو به سؤالات کارشناسان پاسخ می‌دهند. محدوده سؤالات و تفسیر پاسخ‌ها نیز به عهده کارشناسان است. این نوع مشارکت از همه رایج‌تر است.
  4. مشارکت در مقابل پاداش مادی. مردم در مقابل دریافت پول یا کالاهای دیگر در پروژه مشارکت می‌کنند و پس از قطع انگیزه‌های مادی مشارکت خاتمه می‌یابد.
  5. مشارکت کارکردی. این در حالی است که مجریان توسعه، صرفاً برای کم کردن هزینه‌های پروژه، نیروی مردمی را بسیج و از آن استفاده می‌کنند. اهداف پروژه از قبل تعیین شده و مردم نقشی در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی ندارند و صرفاً نیروی کار به شمار می‌روند.
  6. مشارکت تعاملی. کارآمدترین نوع مشارکت است که مردم از ابتدا در جریان تحقیق، تحلیل اطلاعات، تصمیم‌گیری، اقدام و ارزیابی نتایج اقدامات مشارکت می‌کنند. در همین شیوه است که از انواع شیوه‌های مشارکتی برای مسأله‌شناسی، تحلیل اطلاعات، بازنمایی و معرفی پروژه و اقدام جمعی استفاده می‌شود.
- در غالب پروژه‌های توسعه، مردم به عنوان کسانی که فقط به حرف‌های کارشناسان یا مدیران و فرستادگان دولت و آژانس‌های توسعه گوش می‌کنند، در پروژه‌ها مشارکت دارند. اما مشارکت به شیوه تعاملی، دست‌آورد استراتژی‌های



جدید توسعه است. در این برداشت، افراد فقط سهمی از منافع طرح را دریافت نمی کنند، بلکه در تعیین اهداف طرح و هم چنین چگونگی نیل به منافع شرکت می کنند.

اهمیت مشارکت در آن است که می تواند کارهایی را انجام دهد که زور و یارانه های اقتصادی قادر به انجام آنها نیستند. نکته مهم این جاست که در هر حالتی در نهایت تصمیم درباره چگونه عمل و زندگی کردن توسط کاربران پروژه ها اتخاذ می شود. ارزیابی 25 پروژه انجام گرفته توسط بانک جهانی که بدون مشارکت گسترده مردم انجام شده بودند نشان می دهد که 13 پروژه پس از ترک منطقه توسط کارشناسان بانک از بین رفته اند. به علاوه، مشارکت نیازمند کار گروهی است. همین امر سبب به اشتراک گذاردن اطلاعات در بین مردم و ایجاد اعتماد بین کاربران پروژه می شود. هم چنین مشارکت و پویایی گروهی، ساختاری برای اشاعه نوآوری است [6].

آنچه گفته شد نشان می دهد که مشارکت تا چه حد فرایند پیچیده ای است و برای آن که شرط مشارکتی بودن پروژه های توسعه اجرا شود، باید تا چه اندازه کار تخصصی برای تشویق عوامل مثبت و رفع موانع انجام بگیرد. به علاوه، از آنجا که تصمیم به مشارکت مقوله ای است که از گذشته تاریخی و ذهنیت های تحکیم یافته افراد تأثیر می پذیرد، رسیدن به سطوح مناسبی از مشارکت و زمینه سازی برای آن دشوار به نظر می رسد. لیکن تحقق مشارکت، در کنار بقیه عوامل می تواند پایداری طرح های توسعه را تضمین کند. هرگاه بحث از مداخله مردم در طراحی و اجرای پروژه های توسعه به میان می آید، مباحثه بر سر تمایز مشاوره 1 با مردم یا مشارکت 2 مردم نیز قوت می گیرد. مشاوره حالتی از مشارکت است که در آن، مدیران و مجریان پروژه ها یا مقامات دولتی از مردم یا گروه های ذی نفع می خواهند که نظر خود را درباره پروژه بیان کنند، اما هیچ تضمینی برای استفاده از این نظرات در جریان پروژه و تصمیم گیری های مربوط به آن وجود ندارد. اما مشارکت معنایی عمیق تر دارد و زمانی تحقق می یابد که مردم در حدی فراتر از نظر دادن در پروژه دخیل باشند و تضمینی برای لحاظ شدن منافع آنان وجود داشته باشد. گاهی دولت ها یا مجریان پروژه ها هر دو مفهوم را به نفع خود مصادره کرده و انجام اقداماتی نظیر ارائه اطلاعات پروژه به مردم را مترادف با مشاوره و مشارکت تلقی می کنند. مشارکت زمانی محقق می شود که مردم اطلاعات کافی درباره پروژه داشته باشند، سهم آن ها در تصمیم گیری محفوظ باشد و فرایند مشارکت به تقویت قدرت سازماندهی و توان اجتماعی جامعه محلی منجر شود. برخی اصول کلیدی مداخله عمومی - به معنای ترکیب مشاوره و مشارکت عمومی - به این شرح است:

1. مشورت مؤثر باید از مراحل اولیه آغاز و تا آخرین تصمیم گیری ها تداوم یابد.
  2. راهبردها و فرایندهای مشاوره با مردم باید به گونه ای متناسب با مقتضیات هر مرحله از ارزیابی یا مقدمه سازی برای اجرای پروژه تدوین شوند.
  3. مشاوره مؤثر زمانی محقق می شود که چگونگی مشاوره با مردم و میزان اختیارات ایشان برای تأثیرگذاری بر تصمیمات به دقت مشخص شده باشد.
  4. باید اطلاعات دقیق، شفاف و جامع قبل از آغاز فرایند مشاوره به مردم داده شود.
  5. همه ذی نفعان باید در فرایند مشاوره دخیل باشند.
  6. باید با همه مشارکت کنندگان با احترام برخورد شود.
- با این برداشت وسیع از مفهوم مشاوره و مشارکت، در اجرای طرح های توسعه، باید نمایندگان مردم در جریان همه

1. Consultation

2. Participation



مراحل برنامه‌ریزی تا ساخت و بهره‌برداری از طرح حضور فعال داشته باشند. این امر مستلزم وجود جریان آزاد اطلاعات درباره امور مربوط به برنامه‌ریزی تا ساخت و بهره‌برداری از طرح است.

#### 4- عوامل و موانع مشارکت بهره‌برداران

تجربه جهانی نشان داده که کارآمدی نظام‌های آبیاری منوط به مشارکت عمده کشاورزان در مدیریت، نگهداری و تعمیرات و توسعه شبکه‌های آبیاری است. از دهه 1980 به این سو دولت‌ها کوشیده‌اند تا تصدی‌گری خود در شبکه‌های آبیاری و زهکشی را به نفع مشارکت گسترده‌تر کشاورزان کاهش دهند. این کار سبب می‌شود تا اولاً نظام‌های آبیاری کارآمدتر باشند. ثانیاً هزینه بسیار زیاد بهره‌برداری از این شبکه‌ها بر دوش دولت‌ها سنگینی نکند. نتایج مطالعه‌ای در هند نشان می‌دهد نهادهای محلی کارکردهای متعددی در نظام‌های آبیاری دارند. برای مثال منابع لازم برای ساخت و نگهداری کانال‌های محلی و تنظیم تخصیص آب را انجام می‌دهند و نظارت آن‌ها مانعی در برابر تخطی کشاورزان از قانون است. این تشکلهای آبیاری‌های مخزنی، عملیات لایروبی و زدودن علف‌های هرز و جلوگیری از تجاوز به حریم مخزن را انجام می‌دهند. اهمیت این تشکلهای محلی است که برخی معتقدند «اصلاحات آب به معنای ایجاد و تقویت چنین نهادهای بومی برای مشارکت در آبیاری، حداقل به اندازه اصلاحات ارضی در توسعه کشاورزی اهمیت دارد». بررسی دیگری در هند حاکی از آن است که مدیریت مشارکتی آبیاری سبب افزایش محسوس بهره‌وری استفاده از آب و افزایش تولید کشاورزی می‌شود، میزان در دسترس بودن آب، میزان اعتمادپذیری وجود آب، و انعطاف در الگوی کشت بیشتر شده است، میزان پرداخت هزینه آب و زمان لازم برای گرفتن آب نیز کاهش یافته و توزیع آب نیز عادلانه شده و تنش‌ها کاهش یافته است. ائتلاف آب کاهش یافته و از میزان تخریب عمده کانال‌ها نیز کاسته شده است [7].

اگرچه ایجاد چنین تشکلهایی و واگذاری مدیریت شبکه‌ها اقدامی مناسب است اما همه کشورها در این زمینه موفق نبوده‌اند. ایران نیز یکی از همین کشورهاست. دلایل متعددی برای این وضعیت وجود دارد. برخی از این دلایل مربوط به کشاورزان و برخی دیگر به نظام آبیاری و بالخصوص سازمان‌ها و قوانین مربوط می‌شود [8].

اولاً، عملکرد سازمان‌های مرتبط در دهه‌های گذشته سبب شده است تا ساختار اجتماعی مبتنی بر همکاری جمعی میان کشاورزان برای پیشبرد امور آبیاری از میان برود. در شرایط فعلی کشاورزانی که تا چند دهه پیش کلیه امور مربوط به آبیاری را به صورت جمعی انجام می‌دادند، از همکاری برای ایجاد گروه‌هایی که قادر باشند مدیریت و بهره‌برداری شبکه‌های آبیاری و زهکشی را خودشان انجام دهند، ناتوان هستند.

ثانیاً، نگرش‌های ایجاد شده در کشاورزان در طول دهه‌های گذشته نسبت به وظایف دولت در حوزه آبیاری سبب شده است که از آمادگی ذهنی برای مشارکت در آبیاری به کمک دولت ناتوان باشند. به عبارتی تمایلی به این کار نداشته باشند.

ثالثاً، نظام موجود بالخصوص درخصوص آب‌بها امکان ساختاری برای ایجاد تشکلهای آب‌بران را از میان برده است. در شرایط فعلی آب کشاورزی با یارانه قابل ملاحظه در اختیار کشاورزان قرار می‌گیرد. در صورتی که تشکلی ایجاد شود، این تشکل باید با اتکا بر هزینه‌های دریافتی از کشاورزان سازماندهی شود تا بتواند به سازمانی خودکفا برای مشارکت در آبیاری تبدیل شود. در شرایط فعلی دولت با اتکا به بقیه درآمدهای خود قادر است یارانه آب را تأمین کند اما ادامه حیات این تشکل‌ها با آب‌بهای فعلی امکان‌پذیر نیست. به عبارتی تشکل‌ها قادر به ادامه حیات با آب‌بهای غیرواقعی نیستند. رابعاً، سازمان‌های ترویج کشاورزی وظیفه خود در قبال آموزش کشاورزان برای پذیرش روال‌های مشارکتی را به



درستی انجام نداده‌اند. از همین‌روست که کشاورزان درباره الزامات فعالیت در یک تشکل مستقل چیزی نمی‌دانند. به علاوه این که به‌واسطه سال‌ها حاکمیت دولت بر نظام‌های آبیاری، تجربه زیسته نسل‌های گذشته در خصوص فرایندهای مشارکتی را نیز از دست داده‌اند.

خامسا، نظام حقوقی محکمی برای بیان ارتباط میان کشاورزان در قالب تشکل‌های آب‌بران و ساختار دولتی تعریف نشده است. پیش‌تر نیز گفته شد که کشاورزان به اندازه کافی درباره بنیان‌های مالکیت در ایران سوءظن دارند. حال تصور این که در شرایط فقدان یک نظام محکم حقوقی کشاورزان تمایلی به مشارکت در ساختارهای جمعی داشته باشند دشوار است.

عوامل دیگری نیز دخیل هستند که سبب می‌شوند کشاورزان تمایلی به مشارکت نداشته باشند. برای مثال در حالی که تشکل‌های آب‌بران وجود نداشته باشند، نظارت به حدی ضعیف خواهد بود که انجام اقداماتی نظیر کسب آب ارزان، زیاد و غیرقانونی آسان می‌شود. در ضمن، کشت غیرقانونی نیز امکان‌پذیر است. لذا بسیاری از افراد با دانستن این نکته که ایجاد تشکل‌ها چنین اقداماتی را محدود می‌سازد، تمایلی به مشارکت ندارند. هم‌چنین کشاورزان نسبت به مزایای مشارکت در آبیاری آگاهی ندارند. البته می‌توان این فرضیه را نیز مطرح کرد که به دلیل شرایط دشوار زندگی کشاورزان (بالاخص در بین کشاورزان فقیر) منفعت‌های کوتاه‌مدت ارجحیت یافته‌اند، لذا کشاورزان مایل نیستند به اقداماتی تن دهند که در درازمدت منفعتی دارد. به عبارتی این کشاورزان از چنان بنیه اقتصادی بهره ندارند که بتوانند منافع کوتاه‌مدت خود را فدای منافع درازمدت نمایند [9].

مشاهده می‌شود که ترکیبی از مسائل فنی، سابقه تاریخی و مقولات اجتماعی سبب می‌شوند که بنیان‌های لازم برای مشارکت آب‌بران در ساخت، مدیریت، نگهداری و تعمیر شبکه‌های آبیاری وجود نداشته باشد.

### 5- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

جمع‌بندی مطالب پیش‌گفته و بررسی تجربیات کشور و بویژه تجربیات استان، نشان می‌دهد که به منظور محقق شدن مشارکت فعال ذی‌نفعان و بهره‌برداران در مراحل مختلف طراحی و اجرای شبکه‌های آبیاری و زهکشی و هم‌چنین شکل‌گیری بهینه تشکل‌های آب‌بران، اقداماتی در زمینه‌های مختلف ساختاری، حقوقی، قانونی و بویژه اجتماعی ضروری است. این اقدامات را می‌توان در چهار مقوله اصلی دسته‌بندی کرد:

- ✓ آگاه‌سازی
- ✓ حساس‌سازی
- ✓ اعتمادسازی
- ✓ توانمندسازی

هر یک از این مقولات باید در دو سویه کشاورزان و مسئولان برنامه‌ریزی گردد. به بیان دیگر از یکسو باید برنامه‌های آگاه‌سازی برای کشاورزان به منظور تغییر نگرش آنان نسبت به ضرورت مشارکت در فرایند آبیاری اجرا شود و از دیگر سو با اجرای برنامه‌هایی، ضرورت مراجعه به جامعه محلی و دریافت نظرات آنان در فرایند طراحی و ساخت شبکه برای مسئولان و تصمیم‌گیران در تمام سازمان‌های مرتبط (و نه فقط شرکت‌های آب منطقه‌ای) روشن شود.

هم‌چنین انجام مطالعات اجتماعی کاربردی که زمینه مذاکرات و گفتگوهای رودررو بین کشاورزان و مجریان و نمایندگان سازمان‌های ذیربط را فراهم می‌سازد، می‌تواند آثار و سایه بی‌اعتمادی را از ذهن کشاورزان زدوده و بدین



ترتیب حس موثر بودن و ایفای نقش را در آنان برانگیزد. بدیهی است که این مطالعات و مراجعات به منطقه هدف طرح باید همزمان با شروع مطالعات فنی شبکه‌ها صورت گیرد.

و در آخر برنامه‌های توانمندسازی هم برای کشاورزان و هم برای مسئولان، طراحی و اجرا شود. همانطور که پیشتر اشاره شد بخشی از عدم مشارکت کشاورزان ناشی از ضعف مهارت‌ها و دانش فنی و مدیریتی ایشان برای اداره شبکه‌های آبیاری جدید است. از سوی دیگر، کارشناسان سازمان‌ها نیز بعضاً فاقد مهارت و دانش لازم برای تعامل با کشاورزان و یا تشکل‌های آنان هستند، که در این زمینه برپایی دوره‌های آموزشی ضمن خدمت برای کارشناسان ضروری است.

### 6- مراجع

[1] خدری، فرهاد. (1382). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت بهره‌برداران در اجرای شبکه‌های آبیاری و زهکشی خوزستان به منظور ارائه راهکارهای مناسب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی. مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت وابسته به وزارت نیرو.

[2] شارع‌پور، محمود. و همکاران. (1382). مدیریت یکپارچه آب و خاک در حوزه آبریز سد البرز در مازندران، تحت نظارت و کارفرمایی بانک جهانی.

[3] فاضلی، محمد. و پاک‌سرشت، سلیمان. (1385). صورتبندی مشکلات سازمان آب و برق خوزستان در بهره‌برداری از آب کشاورزی، سازمان آب و برق خوزستان.

[4] کشاورز، عباس. و صادق‌زاده، کوروش. (1382). وضعیت موجود، چشم‌اندازهای آینده و راهکارهایی جهت بهینه‌سازی آن، دهمین همایش کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران.

[5] نجفی، غلامعلی. و زاهدی، شمس‌السادات. (1384). مسأله پایداری در کشاورزی ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره 2، تابستان.

[6] Bardham, Pranab. (2000). Irrigation and Cooperation: An Empirical Analysis of 48 Irrigation Communities in South India. *Economic Development and Cultural Change*, Vol. 48, No. 4, Pp. 847-865.

[7] Paul, Samuel. (1987). *Community Participation in Development Projects: The World Bank Experience*. World Bank.

[8] Hennessy, John. (1992). *Irrigation and Drainage Projects: Sustainability, Performance and Impact*. Pp. 9-12.

[9] In Guy Le Moigne., Shawki Barghouti., & Lisa Garbus. (1999). *Developing and Improving Irrigation and Drainage Systems: Selected Papers from World Bank Seminars*. World Bank